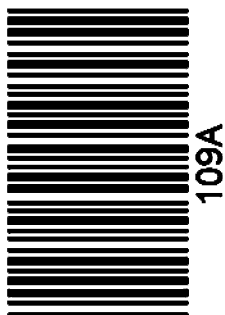


کد کنترل

109

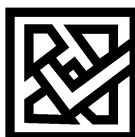
A



109A

صبح جمعه

۱۴۰۲/۱۲/۰۴



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

«در زمینه مسائل علمی، باید دنبال قلّه بود.»

مقام معظم رهبری

آزمون ورودی دوره‌های کارشناسی ارشد ناپیوسته داخل - سال ۱۴۰۳

فقه و حقوق (کد ۱۱۱۲)

مدت زمان پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۱۰۵

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤال‌ها

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	زبان عمومی و تخصصی (انگلیسی)	۲۵	۱	۲۵
۲	زبان عربی	۲۰	۲۶	۴۵
۳	فقه	۳۰	۴۶	۷۵
۴	اصول	۳۰	۷۶	۱۰۵

این آزمون، نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و ...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.

at home, while less well-off children were taught in groups. Teaching conditions for teachers could differ greatly. Tutors who taught in a wealthy family did so in comfort and with facilities; (10) been brought to Rome as slaves, and they may have been highly educated.

- 8- 1) which depending 2) and depended
3) for depended 4) that depended
- 9- 1) have employed 2) employed
3) were employed 4) employing
- 10- 1) some of these tutors could have 2) because of these tutors who have
3) that some of them could have 4) some of they should have

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following three passages and answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4). Then mark the correct choice on your answer sheet.

PASSAGE 1:

The importance of the Rule of Necessity and Need may be gauged by the fact that new sources of law such as *istihsan* and *al-Masalih al-Mursalah* fall under this rule as they are basically the expressions of the same rule. Here it may be mentioned that *istidlal* and *istishab* (which are also put forward as the sources of Islamic Law) are not the same as *istihsan* and *al-Masalih al-Mursalah*. [1] Whereas both the latter are opposed to analogy, the former two are not so. [2] *Istidlal* is expressive of the connection that exists between one proposition and another. For example, sale is a contract and the basis of every contract is consent, therefore consent is the basis of sale. [3] *Istishab*, on the other hand, relates to the deduction by presumption of continuity which may, at best, be a principle of evidence rather than the source of law. The literal meaning of *istishab* is 'the seeking for a friend' i.e. some authority or proof. Freedom from obligation, for instance, is presumed until the contrary is established. Both these cannot be sources of law but may serve as a means to arrive at sound analogy or *tawil*, while *istihsan* and *al-Masalih al-Mursalah* fall under the Rule of Necessity and Need. [4]

- 11- All of the following concepts are mentioned in the passage EXCEPT
- 1) *Istihlal* 2) *Istidlal* 3) *Istishab* 4) *Istihsan*
- 12- The word "consent" in the passage is closest in meaning to
- 1) law 2) finance 3) agreement 4) interaction
- 13- According to the passage, what is the literal meaning of *istishab*?
- 1) The source of law 2) The seeking for a friend
3) Freedom from obligation 4) deduction by presumption
- 14- According to the passage, which of the following statements is true?
- 1) *Istidlal* and *istishab* are not opposed to analogy.
2) Obligation is presumed until the contrary is established.
3) The word *tawil* is synonymous with the Rule of Necessity and Need.
4) *Istihsan* and *al-Masalih al-Mursalah* contradict the Rule of Necessity and Need.

15- In which position marked by [1], [2], [3] or [4], can the following sentence best be inserted in the passage?

It is a sort of logical deduction and, more aptly, a striving after a basis for a rule but not the source of law.

- 1) [1] 2) [2] 3) [3] 4) [4]

PASSAGE 2:

Since the late 19th century, discussions of *maslaha* have become ubiquitous in Islamic jurisprudence. In fact, such discussions have surfaced in Islamic writings of great variety, ranging from hadith studies' to policy recommendations. Literally, *maslaha* means a cause or source of something good and beneficial. In English it is frequently rendered as "public interest," although it is much closer in meaning to well-being, welfare, and social weal.

That the concept of *maslaha* has become a pervasive topic in contemporary legal discourse has many reasons. At their heart is that since at least the 11th century Islamic jurists think of *maslaha* as the embodiment of the purpose of the law. In addition, the concept of *maslaha* can serve as a vehicle for legal change. It presents jurists with a framework to tackle the problem, inherent in a legal system that is based on a finite text, of bringing to bear the limited material foundation of the law (i.e., Qur'an and *hadith*) on everyday life. It thus bestows legitimacy to new rulings and enables jurists to address situations that are not mentioned in the scriptural sources of the law. How much legal change may be achieved through applying considerations of *maslaha* depends primarily on the purpose *maslaha* serves within a jurist's overall conception of the law.

16- Which of the following is used to develop paragraph 1?

- 1) Statistics 2) Definition 3) Comparison 4) Classification

17- The word "it" in paragraph 2 refers to

- 1) law 2) vehicle 3) change 4) *maslaha*

18- According to paragraph 2, which of the following concepts are considered the material foundation of the law?

- 1) Qur'an and *hadith* 2) Qur'an and civil law
3) *Hadith* and civil law 4) Civil law and public opinion

19- What is the main purpose of the passage?

- 1) To draw attention to the significant role of a concept
2) To revive a concept that has recently fallen out of use
3) To compare the function of a concept in two different legal traditions
4) To show the relative advantage of Islamic tradition over its Christian counterpart

20- The passage provides sufficient information to answer which of the following questions?

I. Who first coined the term *maslaha*?

II. Why has the concept of *maslaha* become an important subject in contemporary legal discourse?

III. Is it possible to use the concept of *maslaha* as a vehicle for legal change?

- 1) I and II 2) Only III 3) I and III 4) II and III

■ ■ عین الأنسب و الأدق للجواب عن الترجمة أو التعريب أو المفهوم (۲۶-۳۳)

۲۶- ﴿و لا تَقْفُ ما لیس لك به علمٌ، إِنَّ السَّمْعَ و البَصَرَ و الفؤادَ كُلُّ اولئک کان عنه مسؤولاً﴾:

- ۱) آنچه را به آن علم نداری پیروی مکن، چه گوش و چشم و دل همه آنها نسبت به آن مسؤول هستند!
 - ۲) در مقابل آنچه علم نداری ایستادگی مکن، زیرا هر یک از گوش و چشم و دل نسبت به آنها مسؤولیت دارند!
 - ۳) در برابر آنچه علمی نداری توقّف مکن، زیرا هر یک از قوای سامعه و باصره و قلب پاسخگوی آن خواهند بود!
 - ۴) از آنچه بدان علمی نداری تبعیت مکن، چه قوای سامعه و باصره و دل همگی در برابر آن پاسخگو خواهند بود!
- ۲۷- « لعمری، لموتٌ، لا عقوبة بعده، لذي البتّ أشقى من هوى لا يزاله! »:

- ۱) سوگند می‌خورم که مرگ در صورتی که پس از آن جزایی نباشد، برای انسان غمگین و ناراحت از عشقی که همیشه همراه اوست بهتر است!
- ۲) به جان خود سوگند می‌خورم که جزایی که پس از آن مرگ نباشد، شفا بخش انسان غمگینی است که عشق از او دور نمی‌شود!
- ۳) سوگند به جان خودم، مرگی که هیچ جزایی پس از آن نباشد از عشقی که از او جدا نمی‌شود، برای انسان حزین شفا بخش تر است!
- ۴) به جان خودم قسم می‌خورم، اگر پس از مرگ عقوبتی نباشد، بهتر است انسان حزین بمیرد شاید عشق محبوب رهایش کند!

۲۸- « أ لم تعلمي أنّ الثّواء هو الثّوى و أنّ بیوت العاجزین قبورٌ! »:

- ۱) مگر آگاه نبوده‌ای که هلاک شدن مانند مقیم شدن است و خانه سالمندان قبر آنهاست!
 - ۲) مگر یقین نداری که هلاک کردن باعث نابودی می‌شود و آرامگاه عاجزان گورستانهاست!
 - ۳) آیا نمی‌دانی که ماندن سبب هلاک شدن و نابودی است و خانه عاجزان قبرها است!
 - ۴) آیا ندانسته‌ای که مقیم شدن عین هلاکت است و خانه‌های ناتوانان گورستانهاست!
- ۲۹- « و تعدّلتی فیک القوافی، و همّتی کأّتی بمدح، قبل مدحك، مذنب! »:

- ۱) قافیه‌ها مرا بخاطر همّت گذاردنم در مدح سایر اشخاص، به غیر از تو، عتابم می‌کنند، مثل اینکه مرا در این مورد مجرم می‌بینند!
- ۲) قافیه‌ها و اهتمام من، مرا در مورد تو سرزنش می‌کنند، گویی که من به خاطر مدح کردن دیگران، قبل از مدح تو گناهکارم!
- ۳) قافیه‌های شعر و همّت مرا سرزنش می‌کنند، که چرا قبل از آنکه مدح تو را بگویم، به مدح دیگران پرداخته‌ام پس آنها مرا گناهکار می‌پندارند!
- ۴) قافیه‌های شعرم، مرا به خاطر اشعاری که در مدح دیگران گفتم سرزنش می‌کنند، گویی که آنها مرا مجرم می‌دانند که پیش از مدح کردن تو، دیگری را ستوده‌ام!

۳۰- « أملتُ خيرك هل تأتي مواعده فالیوم قَصَّرَ عن تلقائك الأمل! ». عین المفهوم المطوي في البيت:

(۱) كنت أتحرر على ما وعدتني به من الإحسان، ولكن الأيام أقصر من أن أبلغ مطلوبي!

(۲) كنت أترقب في لهفة قليلاً من خيرك، فحصلت على مناي و أعرضت عن لقاءك!

(۳) رجائي كان الحصول على ما تعدني به، فالیوم أعطيتني كل آمالي و أكثر منها!

(۴) كنت آمل أن أحصل على خيراتك، فحصلت على ما هو أحسن منه و هو لقاءك!

۳۱- « و ما الأخ من يكون لنا لزاماً إذا ما غيم دولتنا وجود

ولكن من يساعدنا إذا ما تعاودنا الأساور و الأسود! »:

عین ما یختلف مفهومه عن البيتين:

(۱) دوستان را بگناه سود و زیان بتوان دید و آزمود توان!

(۲) حدیث عشق از آن بطال می‌نوش که در سختی کند یاری فراموش!

(۳) دوست مشمار آنکه در نعمت زند لاف یاری و برادر خواندگی!

(۴) دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی!

۳۲- « همکاری بعضی امرا و اشراف ایرانی با مسلمانان باعث شد که اینان موقعیت اجتماعی و سیاسی

خود را حفظ کنند! ». عین الصحیح:

(۱) تعاون بعض الأمراء و النبلاء من ایران مع المسلمین سبب أن یحافظوا على موقعهم الاجتماعي

و السياسي!

(۲) قد أدى تعاون بعض الأمراء و النبلاء الإيرانيين مع المسلمین إلى أن یحافظ هؤلاء على مراكزهم

الاجتماعية و السياسية!

(۳) إنَّ التعاون بين البعض من الأمراء و نبلاء ایران مع المسلمین كان قد أدى إلى محافظة هؤلاء

على مواقعهم الاجتماعية و السياسية!

(۴) قد سبب التعاون بين البعض من الأمراء و النبلاء الإيرانيين مع المسلمین إلى الاحتفاظ بالمكانة

الاجتماعية و السياسية لهم!

۳۳- « نامه‌هایی که از این نویسنده توانا باقی مانده صادق ترین گواه بر فصاحت و بلاغت اوست! »:

(۱) هناك رسائل بقيت من هذا الكاتب المقتر و إنها أصدق الشهود بفصاحته و بلاغته!

(۲) إنَّ الرسائل التي بقيت من هذا الكاتب القدير هي أصدق شاهد بفصاحته و بلاغته!

(۳) إنَّ الكتابات التي تبقت من الكاتب القدير هذا تشهد بصدق على قدرته في الفصاحة و البلاغة!

(۴) هناك كتابات تبقت من الكاتب المقتر هذا و هي شاهد صدق على قدرته في الفصاحة و

البلاغة!

■ ■ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّشْكِيلِ (٣٤ و ٣٥)

٣٤ - عَيْنُ الْخَطَأِ:

- (١) إِعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فِاقَةٍ؛
- (٢) وَ لَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنَى فَاسْتَشْفَوْهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ؛
- (٣) وَ اسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لِأَدْوَانِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرَ الدَّاءِ؛
- (٤) وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النِّفَاقُ وَ الْغَيْثُ وَ الضَّلَالُ، فَاسْأَلُوا اللَّهَ بِهِ وَ تَوَجَّهُوا إِلَيْهِ بِحُبِّهِ!

٣٥ - عَيْنُ الْخَطَأِ:

- (١) بَدَأَتْ وَزَارُهُ الصَّحَّةُ التَّخْلُصَ مِنَ الْأَغْذِيَةِ التَّالِفَةِ الَّتِي أَرْسَلَتْهَا بَعْضُ الدُّوَلِ؛
- (٢) الْعَرَبِيَّةِ عَلَى سَبِيلِ الْمُسَاعَدَةِ. وَ قَدْ تَمَّ التَّخْلُصُ مِنْ أَرْبَعَةِ آلَافٍ وَ ثَلَاثِمِائَةِ عُلْبَةٍ مِنْ؛
- (٣) الْأَسْمَاكِ الْمَحْفُوظَةِ انْتَهَتْ تَوَارِيخُ صِلَاحِيَّتِهَا، وَ قَدْ قَدَّمَتِهَا دُولٌ عَرَبِيَّةٌ لَمْ تُحَدِّدْ؛
- (٤) وَ أَكَّدَ مَسْئُولٌ أَنَّ مُعْظَمَ هَذِهِ الْأَغْذِيَةِ إِمَّا أَنْ صِلَاحِيَّتِهَا مُنْتَهِيَةٌ أَوْ سَتَنْتَهِي خِلَالَ أَيَّامٍ قَلِيلَةٍ!

■ ■ عَيْنُ الْخَطَأِ عَنِ الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ (٣٦-٣٨)

٣٦ - ﴿ إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ ﴾:

- (١) رِزْقٌ: خَبْرٌ « إِنَّ » الْمَفْرُودِ، وَ اللَّامُ حَرْفٌ ابْتِدَاءً تَرَحَّلَتْ عَنْ صَدْرِ الْجُمْلَةِ كِرَاهِيَةً ابْتِدَاءً الْكَلَامِ بِمُؤَكِّدِينَ
- (٢) نِفَادٌ: اسْمٌ « مَا » شَبِيهِ « لَيْسَ » الْمُؤَخَّرِ، مَجْرُورٌ فِي الْفِظِ بِحَرْفِ « مِنْ » الزَّائِدَةِ وَ مَرْفُوعٌ مَحَلًّا
- (٣) لَهُ: لِهَ جَارٌ وَ مَجْرُورٌ وَ مُتَعَلِّقُهُمَا مَحْذُوفٌ، وَ شَبِيهِ الْجُمْلَةِ خَبْرٌ مَقْدَمٌ لِلْمَبْتَدَأِ « نِفَادٌ »
- (٤) مَا: حَرْفٌ نَفِيٌّ غَيْرُ عَامِلٍ، لَا يَعْمَلُ عَمَلُ « لَيْسَ » لِنَقْدَمِ الْخَبْرَ عَلَى الْاسْمِ

٣٧ - « وَ إِذَا لَمْ يَكُنْ مِنَ الْمَوْتِ بَدُّ فَمِنْ الْعَجْزِ أَنْ تَكُونَ جِبَانًا! »:

- (١) إِذَا: اسْمٌ غَيْرُ مُتَصَرِّفٍ - مِنْ أَدْوَاتِ الشَّرْطِ غَيْرِ الْجَائِزَةِ وَ مِنْ الْأَسْمَاءِ الْمَلْزَمَةِ لِلْإِضَافَةِ / ظَرْفٌ أَوْ مَفْعُولٌ فِيهِ لِلزَّمَانِ وَ مَنْصُوبٌ مَحَلًّا
- (٢) يَكُنْ: مُجْرَدٌ ثَلَاثِيٌّ - مَعْتَلٌ وَ أَجُوفٌ (إِعْلَالُهُ بِالْحَذْفِ) - مَعْرَبٌ / فِعْلٌ مَجْزُومٌ بِحَرْفِ « لَمْ » وَ مِنْ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ وَ هِيَ مِنَ النَّوَاسِخِ، اسْمُهُ « بَدُّ » الْمَتَأَخَّرِ
- (٣) تَكُونَ: مُضَارِعٌ - لِلْمَخَاطَبِ / مِنْ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ، اسْمُهُ الضَّمِيرُ الْمُسْتَتِرُ فِيهِ وَجُوبًا وَ خَبْرُهُ « جِبَانًا » وَ الْجُمْلَةُ مَصْدَرٌ مُؤَوَّلٌ وَ خَبْرٌ لِلْمَبْتَدَأِ الْمَحْذُوفِ
- (٤) الْعَجْزُ: مَفْرُودٌ مُذَكَّرٌ - جَامِدٌ - مَعْرَفٌ بِأَلٍ - مَعْرَبٌ - صَحِيحٌ الْآخِرُ - مَنْصَرَفٌ / مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَزِّ؛ « مِنْ الْعَجْزِ »: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ وَ شَبِيهِ الْجُمْلَةِ وَ خَبْرٌ مَقْدَمٌ لِلْمَبْتَدَأِ الْمُؤَخَّرِ (الْمَصْدَرُ الْمُؤَوَّلُ)

٣٨- « سلام على من حبه حل في الحشاء و ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء! »:

- (١) فضل: اسم - مفرد مذكّر - جامد - معرّف بالإضافة - معرب / عطف بيان و مرفوع بالتبعية للمعطوف عليه « ذلك »
- (٢) يؤتي: فعل مضارع - مزيد ثلاثي بحرف واحد من باب إفعال - معتل و ناقص، و كذلك مهموز الفاء / فعل مرفوع تقديرًا، و الجملة فعلية
- (٣) يشاء: مضارع - للغائب - مجرد ثلاثي - معتل و أجوف، و كذلك مهموز اللام - معرب / فعل و فاعله الضمير المستتر، و الجملة فعلية و صلة
- (٤) سلام: اسم - مفرد مذكّر - جامد و اسم مصدر - نكرة - صحيح الآخر / مبتدأ و مرفوع و مسوغ الابتداء بالنكرة دلالته على الدعاء

■ ■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٣٩-٤٥)

٣٩- عيّن الخطأ:

- (١) إحترموا من زارتكم من السيّدات!
 - (٢) زُرنا من الأَقوم من يُكرّم الضيوف!
 - (٣) رأيت من النساء من تصبّر على المصائب!
 - (٤) رأيت من النساء من تصبّر على المصائب!
- ٤٠- عيّن الخطأ (في صيغة الأفعال):
- (١) أنتم تدعون ... / أنتنّ ترمين ...
 - (٢) أنتم لم تدعوا ... / أنتنّ لن ترمين ...
 - (٣) أنتما لم تدعوا ... / أنتما لن ترميا ...
 - (٤) أنتما لم تدعوا ... / أنتما لن ترميان ...
- ٤١- عيّن الخطأ في البناء للمجهول:
- (١) المريضات عالجتهنّ الطبيبة ... ← المريضات عولجنهن
 - (٢) قطعت الحكومة علاقاتها مع ... ← قُطعت العلاقات مع
 - (٣) العلاقات قطعتها الحكومة ... ← العلاقات قُطعت ...
 - (٤) عالج الطبيبُ المريضة ... ← عولجت المريضة ...
- ٤٢- عيّن ما ليس فيه المفعول معه:
- (١) ﴿ فأجمِعوا أمركم و شركاءكم ﴾
 - (٢) اختصم الرّجل و جاره.
 - (٣) زيدٌ سائر و الطّريق.
 - (٤) واكَل أمره و اللّياليا.
- ٤٣- عيّن المشغول عنه مرفوعًا وجوبًا:
- (١) هذا السّراج كأنّه شمس ساطعة!
 - (٢) هل اولئك الضيوف عرفتهم؟
 - (٣) إن الضّعيف واجهته ساعده في القيام بأعماله!
 - (٤) أدروسك تُطالعهَا كلّ ليلة قبل النّوم؟

۴۴ - عین الخطأ (في العدد أو المعدود):

- (۱) اشتراك في هذا الامتحان أكثر من ثلاثة عشر ألفاً و عشرة طلبة.
- (۲) نجاح في هذا الامتحان ثلاث آلاف و خمسون طالبة.
- (۳) طالعت الفصل الثاني عشر من هذا الكتاب.
- (۴) مكثت في هذه المدينة تسعة أشهر.

۴۵ - عین الصحيح عن المستثنى:

- (۱) نجحت الطالبات سوى طالبة واحدة!
- (۲) لم ينجح في الامتحان غير المجتهدين!
- (۳) نجح الطلبة ما عدا طالبان!
- (۴) لم ينجح في الامتحان إلا طالبان!

فقه:

۴۶ - اگر مالک عین مستأجره، بعد از عقد اجاره، آن را بفروشد، حکم بیع و اجاره کدام است؟

- (۱) در صورتی که به غیر مستأجر بفروشد، بیع صحیح است و اجاره قبلی نیز به صحت خود باقی است.
- (۲) اگر به مستأجر بفروشد، بیع صحیح است و اجاره قبلی باطل می شود.
- (۳) مطلقاً بیع صحیح است و اجاره قبلی نیز به صحت خود باقی است.
- (۴) مطلقاً بیع باطل است و اجاره قبلی به صحت خود باقی است.

۴۷ - شرکت صحیح در نزد امامیه، کدام است؟

- (۱) اعمال (۲) عنان (۳) مفاوضه (۴) وجوه

۴۸ - اگر قیمت مبیع با فرض سالم بودن، ۱۲ میلیون تومان و در حال معیوب بودن، ۸ میلیون تومان باشد و ثمن

معامله نیز ۶ میلیون تومان باشد، بایع چند میلیون تومان به عنوان ارش باید به مشتری پرداخت کند؟

- (۱) یک و نیم (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۴۹ - حکم زنا با محارم، بنا بر نظر شهید اول، کدام است؟

- (۱) شلاق و قتل است.
- (۲) قتل؛ در صورتی که زانی محصن باشد.
- (۳) قتل؛ در صورتی که زنا با اکراه انجام شده باشد.
- (۴) شلاق و نفی بلد، در صورتی که زانی محصن نباشد.

۵۰ - اگر مالک عین مسروقه پس از طرح دعوی، از سارق گذشت کند، حکم قطع ید بر سارق، کدام است؟

- (۱) مطلقاً ساقط می شود.
- (۲) مطلقاً ساقط نمی شود.

(۳) اگر قبل از حکم قاضی باشد، ساقط می شود ولی بعد از حکم قاضی، ساقط نمی شود.

(۴) اگر مالک، مال مسروقه را هم به سارق ببخشد، ساقط می شود و در غیر این صورت ساقط نمی شود.

۵۱ - اگر جاعل در عقد جعاله، جعل را تعیین نکند، بنا بر نظر شهید اول، حکم آن عقد کدام است؟

- (۱) صحیح است، و برای عامل، اجرة المثل ثابت می شود.
- (۲) باطل است، چون در عقد جعاله باید عوض معین شود.
- (۳) باطل است، در صورتی که جعل به صورت مبهم ذکر شده باشد.
- (۴) صحیح است، در صورتی که عمل از اموری باشد که معمولاً برای آن اجرة در نظر گرفته می شود.

- ۵۲- اگر یکی از سه شریک، سهم خود را از زمین مشاع فروخته و سپس معامله با اقاله فسخ شده باشد، برای یکی از دو شریک دیگر، آیا حق اخذ به شفعه وجود دارد؟
- (۱) برای هیچ کدام چنین حقی وجود ندارد، مطلقاً.
 - (۲) چون اقاله صورت گرفته، حق اخذ به شفعه وجود ندارد.
 - (۳) با تراضی دو شریک دیگر، تنها حق اخذ به شفعه برای یک نفر وجود دارد.
 - (۴) هر کدام از دو شریک دیگر که زودتر اقدام کند، حق اخذ به شفعه دارد.
- ۵۳- اگر ورثه مردی که از دنیا رفته، «زوجه، مادر و پدر» باشند، سهم الارث هر کدام به ترتیب کدام است؟
- (۱) ثمن - سدس - باقیمانده اموال
 - (۲) ربع - ثلث - باقیمانده اموال
 - (۳) ربع - باقیمانده اموال - سدس
 - (۴) ثمن - باقیمانده اموال - ثلث
- ۵۴- حکم وقف فضولی و وقف مشاع، بنابر نظر شهید اول، به ترتیب، کدام است؟
- (۱) منوط به اجازه مالک - صحیح
 - (۲) باطل - باطل
 - (۳) منوط به اجازه مالک - باطل
 - (۴) باطل - صحیح
- ۵۵- دية الجنين في المضغة دیناراً.
- (۱) اربعون
 - (۲) ثمانون
 - (۳) عشرون
 - (۴) ستون
- ۵۶- حکم خیار عیب در صورت تصرف ذوالخیار در مبیع معیوب، کدام است؟
- (۱) مطلقاً خیار ساقط نمی شود.
 - (۲) مطلقاً خیار ساقط می شود.
 - (۳) تنها ردّ مبیع ساقط می شود و اخذ ارش باقی است.
 - (۴) تنها اخذ ارش ساقط می شود و ردّ مبیع باقی است.
- ۵۷- اگر وکیل در فروش اموال موکّل، بخشی از اموال او را پس از عزل از سوی موکّل بفروشد، حکم این معامله بنابر نظر شهید اول، کدام است؟
- (۱) در صورتی که موکّل شاهد بر عزل وکیل گرفته باشد، معامله باطل است.
 - (۲) در صورتی که وکیل علم به عزل خود نداشته باشد، معامله صحیح است.
 - (۳) معامله فضولی می شود و در صورت اجازه موکّل، صحیح خواهد بود.
 - (۴) معامله مطلقاً باطل است.
- ۵۸- اگر مقرّ به چیز مبهمی اقرار کند، حکم چنین اقراری کدام است؟
- (۱) باطل است و باید دوباره اقرار کند.
 - (۲) باطل است و الزامی برای مقرّ نخواهد بود.
 - (۳) صحیح است و حاکم باید مقدار آن را تعیین کند.
 - (۴) صحیح است و مقرّ ملزم می شود به مشخص کردن آن
- ۵۹- در صورت تلف مال مغضوب، چنانچه مالک و غاصب در قیمت آن اختلاف پیدا کنند، کدام حکم ثابت است؟
- (۱) تحالف صورت می گیرد.
 - (۲) قول مالک با قسم پذیرفته می شود.
 - (۳) قول مالک مطلقاً پذیرفته می شود.
 - (۴) قول غاصب با قسم پذیرفته می شود.
- ۶۰- بنابر نظر شهید اول، حکم حاکم در ثبوت و زوال حجر، چه نقشی دارد؟
- (۱) ثبوت حجر، نیاز به حکم حاکم ندارد اما زوال حجر، در گرو حکم حاکم است.
 - (۲) ثبوت حجر، نیاز به حکم حاکم دارد اما زوال حجر، نیاز به حکم حاکم ندارد.
 - (۳) هیچ یک از ثبوت و زوال حجر، نیاز به حکم حاکم ندارد.
 - (۴) ثبوت و زوال حجر هر دو نیاز به حکم حاکم دارد.

- ۶۱- اگر در عقد اجاره بین مدت و عمل جمع شود، حکم آن کدام است؟
 (۱) مطلقاً باطل است، چون معمولاً ممکن نیست.
 (۲) در صورت قصد تطبیق، باطل است؛ چون غالباً اتفاق نمی‌افتد.
 (۳) مطلقاً صحیح است و در صورت تطبیق، اجیر مالک اجرة می‌شود.
 (۴) در صورتی که اجیر در تمام مدت، مشغول به عمل باشد، صحیح است.
- ۶۲- و هو (حدالقذف) موروث و اذا كان الوارث جماعة بعفو البعض.
 (۱) يسقط (۲) لم يسقط
 (۳) يسقط على سهم الوارث (۴) لم يسقط في صورة مطالبة الكل
- ۶۳- بنا بر نظر شهید اول، کدام مورد در خصوص قرض، درست است؟
 (۱) يملك المقترض بالقبض و له رد مثله مع وجود عينه
 (۲) يملك المقترض بالتصرف و عليه رد العين مع وجودها
 (۳) يملك المقترض بعقد القرض و عليه رد العين مع وجودها
 (۴) يملك المقترض بالقبض و التصرف و له رد مثله مع وجود عينه
- ۶۴- شهادت بر شهادت، در کدام مورد پذیرفته می‌شود؟
 (۱) حقوق الناس در غير موارد عقوبت
 (۲) حقوق الله مطلقاً؛ چه عقوبت باشد و چه غير عقوبت
 (۳) حقوق الناس مطلقاً؛ چه عقوبت باشد و چه غير عقوبت
 (۴) در تمام حقوقی که اصل شهادت پذیرفته می‌شود، چه حقوق الله باشد و چه حقوق الناس
- ۶۵- تملك (الاجرة) بالعقد و يجب تسليم الاجرة
 (۱) بعد العقد و ان كانت على عمل
 (۲) بعد العقد و استيفاء المنفعة و العمل
 (۳) بتسليم العين و ان كانت على عمل فبعده
 (۴) بعد استيفاء المنفعة من العين المستأجره و بعد العمل
- ۶۶- در صورت اکراه بر قتل و جرح، قصاص بر چه کسی واقع می‌شود؟
 (۱) مطلقاً قصاص بر مکره واقع می‌شود.
 (۲) مطلقاً قصاص بر مباشر خواهد بود و مکره حبس می‌شود تا بمیرد.
 (۳) در اکراه بر قتل، قصاص بر مباشر و در مورد جرح، قصاص بر مکره واقع می‌شود.
 (۴) اگر اکراه در حد تهدید به قتل باشد، قصاص بر مکره خواهد بود والا قصاص بر مباشر واقع می‌شود.
- ۶۷- مقصود از عبارت «تحريم الخطبه بعد اجابة الغير»، کدام است؟
 (۱) خطبه خوانی و عقد بستن بر زنی که قرار است به ازدواج مرد دیگری درآید، صحیح نیست.
 (۲) اجرای خطبه عقد بر زنی که تقاضای مرد دیگری را قبلاً قبول کرده، حرام است.
 (۳) خواستگاری کردن با اکراه و وادار کردن زن به پذیرفتن ازدواج، حرام است.
 (۴) خواستگاری از زنی که قبول کرده با شخص دیگری ازدواج کند، حرام است.
- ۶۸- حد قیادة، شرب خمر و قذف، به ترتیب، چند تازیانه است؟
 (۱) هشتاد - صد - هفتاد و پنج (۲) هفتاد و پنج - هشتاد - هشتاد
 (۳) هشتاد - صد - هشتاد (۴) هشتاد - هشتاد - صد

- ۶۹- اجازة المالك فالنماء المتخلل و نماء الثمن
- (۱) ناقلة للملك - للبايع - للمشتري
(۲) ناقلة للملك - للمشتري - للبايع
(۳) كاشفة عن صحة العقد - للمشتري - للبايع
(۴) كاشفة عن صحة العقد - للبايع - للمشتري
- ۷۰- اگر در ضمن عقد مضاربه، مدت شرط شود، حکم فسخ این عقد قبل از پایان مدت کدام است؟
- (۱) مالک نمی‌تواند بدون رضایت عامل فسخ کند، ولی عامل می‌تواند.
(۲) عامل نمی‌تواند بدون رضایت مالک فسخ کند، ولی مالک می‌تواند.
(۳) هیچ‌کدام از مالک و عامل، نمی‌توانند فسخ کنند.
(۴) هرکدام از مالک و عامل، می‌توانند فسخ کنند.
- ۷۱- اگر راهن، مال دیگری را به‌عنوان رهن قرار دهد، حکم عقد رهن کدام است؟
- (۱) باطل است؛ اگرچه مالک اجازه دهد.
(۲) صحیح و موقوف به قبول مرتهن است.
(۳) باطل است؛ اگرچه مرتهن قبول کند.
(۴) صحیح و موقوف بر اجازه مالک است.
- ۷۲- از چه زمانی، ملکیت زوجه نسبت به مهریه‌اش ثابت می‌شود و می‌تواند در آن تصرف کند؟
- (۱) وقوع عقد
(۲) تمکین زوجه
(۳) بعد از وقوع عقد و آمیزش زوج با زوجه
(۴) تحویل دادن مهریه از سوی زوج و قبض آن توسط زوجه
- ۷۳- فی اختلافهما (البايع و المشتري) فی تعیین المبيع
- (۱) يبطل العقد من اصله
(۲) يحلف المشتري
(۳) يحلف البايع
(۴) يتحالفان
- ۷۴- بیعی که در آن اخبار به ثمن داده نمی‌شود، کدام است؟
- (۱) تولیة
(۲) مرابحة
(۳) مساومة
(۴) مواضعة
- ۷۵- حکم توارث در نکاح متعه، کدام است؟
- (۱) مطلقاً ثابت است و شرط عدم ارث، باطل است.
(۲) مطلقاً ثابت نیست، و اشتراط ارث، باطل است.
(۳) تنها در صورت اشتراط ارث، ثابت است.
(۴) توارث ثابت است مگر در صورت اشتراط عدم ارث.

اصول:

- ۷۶- اصول لفظیه در کدام شک، جاری می‌شود؟
- (۱) مراد متکلم
(۲) مستعمل‌فیه
(۳) معنای موضوع له
(۴) وضع لفظ برای یک معنی
- ۷۷- علم اصول فقه از علم فقه است.
- (۱) مسائل موضوعه
(۲) مسائل حکمیه
(۳) مبادی تصویری
(۴) مبادی تصدیقیه
- ۷۸- بنا بر نظر مؤلف الموجز، کدام عبارت در خصوص مشتق، درست است؟
- (۱) المشتق حقيقة فی المتلبس بالمبدأ بالفعل و مجاز فیما انقضی عنه المبدأ
(۲) المشتق حقيقة فی الاعم من المتلبس بالمبدأ بالفعل و ما انقضی عنه المبدأ
(۳) المشتق حقيقة فی المتلبس بالمبدأ بالفعل و فیما يتلبس به فی المستقبل
(۴) المشتق حقيقة مطلقاً فی المتلبس بالمبدأ بالفعل و ما انقضی عنه المبدأ و فیما يتلبس به فی المستقبل

- ۷۹- حجیت اجماع محصل بنابر نظر امامیه، منطبق بر کدام مورد است؟
 (۱) با مستند معلوم کاشف از قول معصوم یا دلیل معتبر شرعی می‌باشد.
 (۲) دلیل قطعی است که کشف از قول معصوم یا دلیل شرعی معتبر می‌کند.
 (۳) از ظنون معتبره است که کشف از قول معصوم یا دلیل شرعی معتبر می‌کند.
 (۴) از اماراتی است که از اتفاق علما و روایات معتبره به دست آمده و موجب حدس به قول معصوم می‌شود.
- ۸۰- با دقت در روایات و سیره عقلا، ملاک اعتبار حجیت خبر واحد از نظر مؤلف الموجز، کدام است؟
 (۱) وثاقت راوی مطلقاً است.
 (۲) وثوق به صدور روایت به ضمیمه وثاقت راوی است.
 (۳) وثاقت راوی اگر موجب یقین به صدور روایت باشد.
 (۴) وثوق به صدور روایت چه راوی ثقه باشد و چه نباشد.
- ۸۱- بنابر نظر مؤلف الموجز، کدام قسم از شهره بین قدما حجت است و دلیل آن چیست؟
 (۱) روایه - کاشف از روایت معتبر
 (۲) عملیه - کاشف از روایت معتبر
 (۳) فتوائیه - کاشف از وجود نص معتبر
 (۴) عملیه و فتوائیه - کاشف از وجود نص معتبر
- ۸۲- اختلاف و نزاع در بحث اجتماع امر و نهی در شیء واحد در کدام اجتماع است؟
 (۱) آمری
 (۲) مأموری
 (۳) عنوانی
 (۴) موردی
- ۸۳- بنابر نظر مؤلف الموجز، بحث از حقیقه شرعی و حقیقه متشرعه
 (۱) بنابر ثبوت حقیقه شرعیه ثمره دارد
 (۲) ثمره دارد مطلقاً و حمل بر معنای شرعی می‌شود
 (۳) ثمره دارد بنا بر ثبوت حقیقه متشرعه و در غیر از موارد نادر، حمل بر معنای شرعی می‌شود
 (۴) ثمره ندارد مطلقاً، چون به غیر از موارد نادر، شکی در معانی الفاظ وارد شده در کتاب و سنت نیست
- ۸۴- نظر اصولیان متأخر در تخصیص قرآن به خبر واحد، کدام است و دلیل آن چیست؟
 (۱) جواز مطلقاً به دلیل سیره اصحاب
 (۲) عدم جواز مطلقاً به دلیل ظنی بودن خبر واحد
 (۳) جواز در صورت وجود قرینه علم‌آور همراه مخصّص
 (۴) جواز در صورت تخصیص قرآن به دلیل قطعی قبل از تخصیص به خبر واحد
- ۸۵- نظر مؤلف الموجز در مورد اجزای اتیان امر اضطراری از امر اختیاری واقعی، کدام است؟
 (۱) عدم اجزاء مطلقاً و وجوب اعاده و قضا
 (۲) اجزاء مطلقاً و عدم وجوب اعاده و قضا
 (۳) عدم اجزاء در صورتی که اتیان به عمل بنابر جریان اصل عملی باشد.
 (۴) اجزاء فقط در صورتی که عذر مستوعب باشد و وجوب اعاده در وقت
- ۸۶- عبارت «هو لازم الکلام و ان لم یکن المتکلم قاصداً له»، بیانگر کدام دلالت است؟
 (۱) ایما
 (۲) اشاره
 (۳) اقتضاء
 (۴) تنبیه
- ۸۷- مرجحات خبریه نزد مؤلف الموجز، کدام است؟
 (۱) صفات راوی و شهره عملیه قدما
 (۲) موافقت کتاب و صفات راوی
 (۳) شهره عملیه قدما و موافقت کتاب
 (۴) موافقت کتاب و مخالفت عامّه
- ۸۸- اگر دلیل قطعی بر حجیت اماره قائم شود، چه نسبتی با اصل اشتغال و اصل تخییر حاصل می‌شود؟
 (۱) حکومت
 (۲) ورود
 (۳) تخصّص
 (۴) تخصیص

- ۸۹- در مسئله «مقتضی بودن امر بشیء، نهی از ضد عام را»، نظر مختار علمای اهل تحقیق کدام است؟
 (۱) عدم اقتضاء (۲) اقتضاء به نحو جزئیت
 (۳) اقتضاء به نحو عینیت (۴) اقتضاء به نحو دلالت التزامیه
- ۹۰- حکم استصحاب فرد و کلی در قسم دوم از اقسام استصحاب کلی بنابر نظر مؤلف الموجز، کدام است؟
 (۱) فقط در کلی جاری می‌شود. (۲) فقط در فرد جاری می‌شود.
 (۳) مطلقاً در فرد و کلی جاری می‌شود. (۴) مطلقاً نه در فرد و نه در کلی جاری نمی‌شود.
- ۹۱- اذا اکره الحاكم المحکتر فی عام المجاعة علی البیع المکره یقع
 (۱) معلقاً علی اجازة المکره بعد زوال الاکراه (۲) صحیحاً لان الامور فی عام المجاعة بید الحاكم
 (۳) باطلاً لان الاکراه موجب لبطلان البیع (۴) صحیحاً لان بطلان البیع علی خلاف المنه
- ۹۲- بنابر نظر مؤلف الموجز، کدام یک از علو و استعلاء در صدق ماده امر به معنای طلب لازم است؟
 (۱) فقط علو لازم است. (۲) هر دو، لازم است.
 (۳) هیچ کدام لازم نیست. (۴) یکی از آن دو، کافی است.
- ۹۳- نوع کلمه «ماء» در حدیث «رفع ما لا یعلمون» و دایره شمول آن، به ترتیب، کدام است؟
 (۱) موصوله - حکم فقط (۲) ظرفیه - حکم فقط
 (۳) موصوله - حکم و موضوع (۴) مصدریه - حکم و موضوع
- ۹۴- نظر مؤلف الموجز در مورد حجیت اجماع منقول، کدام است؟
 (۱) حجت است مطلقاً؛ چون ناقل ثقه است.
 (۲) حجت نیست مطلقاً؛ چون مخبر به حسی نیست.
 (۳) حجت نیست؛ مگر اینکه ناقل اجماع، تتبع ملازم با وجود دلیل داشته باشد.
 (۴) حجت نیست؛ مگر اینکه ناقل اجماع، در موارد محدود، ناقل اقوال علما باشد.
- ۹۵- مقتضای قاعده اولیه و روایات رسیده از شارع در حکم شبهه محصوره، به ترتیب، کدام است؟
 (۱) جواز ارتکاب اطراف شبهه - ورود ترخیص از شارع
 (۲) وجوب اجتناب از اطراف شبهه - ورود ترخیص از شارع
 (۳) جواز ارتکاب اطراف شبهه - عدم ورود ترخیص از شارع
 (۴) وجوب اجتناب از اطراف شبهه - عدم ورود ترخیص از شارع
- ۹۶- استعمال هیأت امر در آیه شریفه ﴿ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله﴾، بنابر نظر مؤلف الموجز چگونه است؟
 (۱) استعمال مجازی در معنای تعجیز است.
 (۲) استعمال حقیقی در بعث و به داعی تعجیز است.
 (۳) استعمال حقیقی در معنای جامع بین بعث و تعجیز است.
 (۴) استعمال حقیقی در معنای تعجیز به عنوان یکی از معانی مشترک هیأت امر با قرینه است.
- ۹۷- نظر اخباریان در حجیت ظواهر الفاظ، کدام است؟
 (۱) ظواهر آیات قرآن و روایات حجت نیست.
 (۲) همه ظواهر الفاظ، به غیر از ظواهر آیات قرآن، حجت است.
 (۳) ظواهر آیات قرآن از باب اعجاز پیامبر اکرم (ص) حجت است، ولی ظواهر روایات حجت نیست.
 (۴) ظواهر روایات حجت است، ولی ظواهر آیات قرآن تنها در صورت عدم تعارض با امارات دیگر، حجت است.

- ۹۸- نظر مؤلف الموجز در مورد حکم «مقدمه واجب»، کدام است؟
 (۱) وجوب مقدمه شرعاً مطلقاً
 (۲) عدم وجوب مقدمه شرعاً مطلقاً
 (۳) وجوب مقدمات عبادیه و عدم وجوب غیر آن
 (۴) وجوب مقدمات مفوته و عدم وجوب غیر آن
- ۹۹- لو تیقن الحدث من دون ان یشک ثم غفل و صلی ثم التفت بعدها فشک فی انه تطهر من حدثه السابق قبل الصلوة أو لا یحکم علیه
 (۱) بصحة الصلوة اخذاً بقاعدة الفراغ
 (۲) بصحة الصلوة اخذاً باستصحاب الطهارة
 (۳) بعدم صحة الصلوة اخذاً باستصحاب الحدث
 (۴) بعدم صحة الصلوة اخذاً بقاعدة اليقین
- ۱۰۰- بنابر نظر مؤلف الموجز، حکم تداخل مسببات و تداخل مسببات به ترتیب کدام است؟
 (۱) تداخل از جهت تبادل عرفی - تداخل به اقتضای اصل عملی
 (۲) تداخل به اقتضای اصل عملی - عدم تداخل از جهت تبادل عرفی
 (۳) عدم تداخل به اقتضای اصل عملی - تداخل به اقتضای تبادل عرفی
 (۴) عدم تداخل از جهت تبادل عرفی - عدم تداخل به اقتضای اصل عملی
- ۱۰۱- در صورت تعارض دو دلیل به نحو عموم و خصوص من وجه، چه حکمی از نظر روایات جاری می شود؟
 (۱) ترجیح بر اساس روایات
 (۲) ثبوت تخییر در روایات
 (۳) جمع بین دو دلیل طبق روایات
 (۴) انصراف روایات تخییر از این مورد
- ۱۰۲- بنابر نظر مؤلف الموجز، چگونگی استدلال به آیه نبأ بر حجیت خبر واحد، کدام است؟
 (۱) نه از نظر منطوق و نه از نظر مفهوم شرط و وصف، دلالت ندارد.
 (۲) از نظر منطوق، دلالت ندارد ولی از نظر مفهوم شرط و مفهوم وصف، دلالت دارد.
 (۳) از نظر مفهوم شرط، دلالت دارد ولی از نظر منطوق و مفهوم وصف، دلالت ندارد.
 (۴) از نظر منطوق و مفهوم شرط، دلالت ندارد ولی از نظر مفهوم وصف، دلالت دارد.
- ۱۰۳- «الف و لام» در «اليقین» در قول امام علیه السلام «و لا ینقض اليقین ابدأ بالشک» برای چیست و دلالت بر چه معنایی دارد؟
 (۱) جنس - عدم نقض مطلق یقین به شک
 (۲) تعریف - عدم نقض یقین وضو با شک در آن
 (۳) عهد ذکری - امر ارتکازی عدم نقض مطلق یقین به شک
 (۴) عهد ذهنی - عدم نقض یقین و عدم فرق بین شک در وضو و غیر وضو
- ۱۰۴- بنابر نظر مؤلف الموجز، در صورتی که عدد به عنوان قید موضوع اخذ شود و قرینه‌ای نباشد، چه دلالتی دارد؟
 (۱) تنها دلالت بر مفهوم در جانب تحدید از نظر زیاده دارد.
 (۲) تنها دلالت بر مفهوم در جانب تحدید از نظر نقیصه دارد.
 (۳) دلالت بر مفهوم در جانب تحدید از نظر نقیصه و زیاده دارد.
 (۴) هیچ دلالتی بر مفهوم در جانب تحدید از نظر نقیصه و زیاده ندارد.
- ۱۰۵- حکم تخییر در دوران امر بین محذورین، کدام است؟
 (۱) ابتدایی مطلقاً
 (۲) استمراری مطلقاً
 (۳) ابتدایی در دفعیات و استمراری در تدریجیات
 (۴) ابتدایی در تدریجیات و استمراری در دفعیات